برگ‌هایی از زندگی پنج تن از شهدای دریایی ناوچه کنارک

نیروی دریایی در مسیری ایستاده که آغاز و انتهای آن شهادت است

مبینا شانلو

عصر روز یک‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ۹۹ حین انجام تمرین دریایی توسط تعدادی از شناورهای نیروی دریایی ارتش در آب‌های جاسک و چابهار، شناور پشتیبانی سبک کنارک دچار حادثه شد و ۱۹ تن از دریادلان این شناور به شهادت رسیدند و ۱۵نفر نیز در این حادثه مجروح شدند. با مساعدت صمیمانه ناخدا دوم عابد ضرغامی روایتی از زندگی تا شهادت پنج شهید این حادثه، شهیدان حسین سپهری اهرمی، رضا دهقانی، مصطفی پویانفر، مهدی رازی و سیدمنصور موسوی‌نژاد آماده شد که تقدیم حضورتان می‌کنیم.

ناوبان دوم الکترونیک
مهدی رازی

شهیدمهدی رازی در سال ۱۳۶۳ در یکی از روستاهای بخش مرکزی بوشهر متولد شد و در آغوش خانواده‌ای مذهبی پرورش یافت و پس از طی دوران متوسطه تحصیلی و اخذ مدرک دیپلم در زادگاهش در سال ۱۳۸۲ به استخدام نیروی دریایی ارتش درآمد. رازی پس از گذراندن دوره رسته‌ای تکنسین برق سنگین در آموزشگاه نظامی رشت در سال ۱۳۸۴ به پایگاه دریایی بوشهر منتقل شد و در واحدهای مختلف سطحی مشغول به ادامه خدمت بود. ایشان در سال ۱۳۹۷ به منطقه سوم نیروی دریایی ارتش (کنارک) منتقل شد و در تاریخ ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۹۹ به شهادت رسید. فرماندهان شهیدمهدی رازی به نیکی از او یاد می‌کنند و ایشان را فردی بسیار منظم و وظیفه‌شناس می‌دانند که چندین مرتبه توسط سلسله مراتب فرماندهی مورد تشویق قرار گرفت.

شهید ناوبان سوم عرشه
سپهری اهرمی

شهیدسپهری متولد سال ۱۳۶۷ در شهرستان اهرم است که پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۸۵ به استخدام نیروی دریایی ارتش درآمد و پس از سپری کردن دوره «تکنسین مخابرات رادیویی» در سال ۱۳۸۷ از آموزشگاه نظامی رشت به پایگاه دریایی بوشهر منتقل شد.

حسین در واحدهای مختلف نیروی دریایی ارتش مشغول به خدمت شد تا اینکه در سال ۱۳۹۷ به منطقه سوم نیروی دریایی ارتش (کنارک) منتقل شد. وی در ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۹۹ در حین انجام تمرین دریایی توسط تعدادی از شناورهای نیروی دریایی ناو پشتیبانی کنارک دچار سانحه شد و به همراه تعدای از دریادلان نیروی دریایی به فیض شهادت نائل آمد. شهیدسپهری متأهل و دارای یک فرزند دختر شش ساله بود

ناوبان دوم مکانیک
مصطفی پویانفر

شهیدمصطفی پویانفر در بیستمین روز از خردادماه ۱۳۶۰ در یکی از روستاهای شهرستان تنگستان به دنیا آمد. از همان دوران کودکی زیر چتر یک خانواده متدین و مذهبی پرورش یافت و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۹ به استخدام نیروی دریایی ارتش درآمدپس از طی دوره امور کارگاهی و کنترل صدمات از آموزشگاه نظامی رشت در تاریخ شش اسفند ۱۳۸۰ به پایگاه دریایی بوشهر منتقل شد و در واحدهای مختلف سطحی پایگاه دریایی بوشهر تا سال ۱۳۹۷ به ادامه خدمت مشغول بود. وی سپس به منطقه سوم نیروی دریایی کنارک منتقل شد که در ۲۱ اردیبهشت ۹۹ به شهاد ت رسید. از شاخصه‌های اخلاقی این شهید می‌توان به خوش خلقی، تواضع و احترام به اطرافیان اشاره کرد. شهیدمصطفی پویانفر دارای دو دختر شش ساله و ۹ ساله بود.

ناو استوار یکم الکترونیک
سیدمنصور موسوی‌نژاد

شهید سیدمنصور موسوی‌نژاد هم یکی دیگر از دریادلانی بود که در ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۹۹ حین انجام تمرین دریایی توسط تعدادی از شناورهای نیروی دریایی ارتش در آب‌های جاسک و چابهار، شناور پشتیبانی کنارک دچار سانحه شد و به همراه تعدادی از همکاران خود در سن ۳۰سالگی و در سالروز تولدش به شهادت رسید. موسوی‌نژاد اهل شهرستان دشتستان بود که پس از طی دوران تحصیلات و اخذ دیپلم در زادگاهش در سال ۱۳۸۹ به استخدام نیروی دریایی ارتش درآمد و پس از گذراندن دوران آموزشی در رسته تکنسین برق از آموزشگاه نظامی رشت در اسفند سال ۱۳۹۰ به پایگاه دریایی بوشهر منتقل شد. ایشان در سال ۱۳۹۷ به منطقه سوم نیروی دریایی (کنارک) منتقل شد و دقیقاً در سالروز ولادتش به شهادت رسید و آسمانی شد. حاصل زندگی مشترک این شهید یک پسر سه ساله بود. همکاران و فرماندهانش او را به ادب، مهربانی و بسیار معتقد می‌شناسند. حقیقت این است که نیروی دریایی در مسیری ایستاده که آغاز و انتهای آن شهادت است.

شهید ناو استوار دوم
رضادهقانی

شهیدرضا دهقانی در سال ۱۳۷۱ در یکی از روستاهای شهرستان کازرون در خانواده‌ای مذهبی و متدین متولد شد.

ایشان پس از طی دوران تحصیلات و اخذ دیپلم در زادگاهش در سال ۱۳۹۳ به استخدام نیروی دریایی ارتش درآمد و پس از گذراندن دوره آموزشی در رسته تفنگدار دریایی در آموزشگاه نظامی آتگداد منجیل در اسفند ۱۳۹۴ به منطقه سوم دریایی نبوت (کنارک) منتقل و در تیپ تکاوران دریایی منجیل مشغول به خدمت شد.

این شهید بزرگوار از بدو ورود به خدمت به طور مداوم به مأموریت‌های عملیاتی اعزام می‌شد و چندین‌بار به خاطر شایستگی‌ها و رشادت‌هایش توسط سلسله مراتب فرماندهی مورد تشویق قرار گرفته بود.

رضا دهقانی در نهایت مزد همه مجاهدت‌هایش را در ۲۱اردیبهشت سال ۱۳۹۹ گرفت.

شهیدرضا دهقانی بسیار منضبط و وظیفه‌شناس بود. حسن خلق و ادب او با همکاران و خانواده‌اش زبانزد خاص و عام بود، که به تازگی متأهل شده بود.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با حکیمه مصلحی همسر شهیدحمید کارگر

خودم پیکر حمیدم را در قبر گذاشتم

شهیدحمید کارگر متولد ۱۳۳۹ در قائمشهر است که بعد از مدت‌ها حضور در جبهه سرانجام طی عملیات کربلای یک در تاریخ ۱۰ تیر ۶۵ به شهادت رسید. در ادامه روایت‌های حکیمه مصلحی، همسر شهید در گفت‌وگو با جوان را پیش رو دارید:

چفیه یادگاری

هرگز دوست نداشت اشک‌هایم را ببیند. تمام تلاشمان بر شاد بودن بود. حمید بسیار شوخ‌طبع بود و همه چیز را به شوخی می‌گذراند. زندگی بسیار آرام و خوبی داشتیم و به داشته‌هایمان قانع بودیم. حتی برای یک‌بار هم نشد از او چیزی درخواست کنم. بهترین هدیه‌ای که در طول این چهار سال به من داد، یک چفیه بود، خیلی دوستش داشتم، از منطقه برایم آورده بود.

بنت‌الهدی

حمید خیلی بچه دوست داشت، یک‌سال و نیم بعد از ازدواجمان دخترم بنت‌الهدی به دنیا آمد. هدی ۱۳ماهه بود که حمید شهید شد. وقتی باردار شدم، نامه نوشتم که خداوند به ما لطف کرده است و صاحب فرزندی شده‌ایم. نامه را از طریق بستگان به ایشان رساندم، حمید هم در جبهه شیرینی پخش کرد و به من گفت: «اگر فرزندمان دختر شد، اسمش را زینب کبری یا بنت‌الهدی بگذار و اگر پسر شد هم اسمش را محمد مهدی یا کمیل بگذار.» در نهایت من اسم دخترمان را بنت‌الهدی گذاشتم. عجیب هم به بنت‌الهدی علاقه داشت. حمید ۴۵ روز بعد از تولد، بنت‌الهدی را دید.

بی‌قرار شهادت

حمید قبل از اعزام آخرش به جبهه، وسایلمان را به خانه پدری‌ام منتقل کرد تا خیالش از خانه و اهلش راحت باشد. ۱۰ تیر ماه شب شهادت حمید ساعت حدود ۱۱ یا ۱۲ بود که ناگهان هدی از خواب پرید و با اضطراب عجیبی شروع به گریه و زاری کرد. هر کاری کردیم، آرام نشد. خانواده من هر چه تلاش کردند، موفق نشدند ساکتش کنند. آنقدر گریه کرد تا اینکه به هق‌هق افتاد. هدی خوابش نمی‌برد. گریه‌هایش همه را به گریه انداخته بود. نمی‌دانستیم چه باید کنیم. شب تلخ و سختی را به صبح رساندیم. او بی‌قرار شهادت بابا شده بود. حمید ساعت ۱۱:۵ شب، در عملیات کربلای یک در ۱۰ تیرماه ۶۵ به شهادت رسید. وقتی پیکر حمید را آوردند به پزشکی قانونی رفتم. حمید را دیدم و زمانی که بالای سر او رفتم سردی پیکرش را با تمام وجود حس کردم. هنوز هم با گذشت بیست و چند سال سردی آن لحظه تلخ را به یاد دارم. وقتی قرار شد پیکر را تشییع کنیم، خودم چادرم را به گردنم بستم و پیکر حمیدم را در قبر گذاشتم. او دوست داشت من روحیه داشته و مقاوم باشم و الحمدلله خود شهید کمکم کرد و توانستم مقاومت کنم.

آشنای بی‌نشان

درخواست برای پیدا کردن خانواده یک شهید

می‌گفت بهشت زهرا (س) از بمباران در امان است

صغری خیل فرهنگ

حکایت درخواست برای پیدا کردن خانواده شهیدنسیم افغانی از شهدای دفاع‌مقدس از کشور افغانستان، بهانه‌ای شد تا با تماس و پیگیری یکی از خوانندگان روزنامه، به سراغ شهید سیدحسین عزیزی برویم که تا حدی عاقبتی همچون شهیدنسیم افغانی پیدا کرده است. (شهیدافغانی در سن ۳۱ سالگی از لشکر ۵ نصر خراسان عازم جبهه‌های نبرد علیه رژیم بعث عراق شد.) در نهایت پیکر مطهرش در منطقه عملیاتی والفجر یک (فکه) تفحص و شناسایی شد که در ماه گذشته سردار سیدمحمد باقرزاده، فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین طی یک ویدئو درخواستی را برای شناسایی یک شهید افغانستانی دوران دفاع‌مقدس عنوان کرد. اگرچه خانواده این شهید پیدا نشد و در نهایت پیکر این شهید در بهشت ثامن‌الائمه حرم رضوی به خاک سپرده شد، اما همین بهانه‌ای بود تا به سراغ شهید سیدحسین عزیزی برویم که وی نیز نام و نشان مشخص، اما خانواده‌ای نامشخص دارد. شاید با چاپ مطلب نشانی از خانواده‌اش پیدا شود.

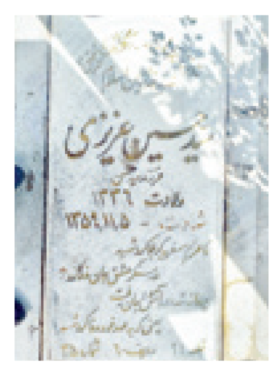

قطعه ۲۴، خانه شهید

برای پیدا کردن رد و نشانی از خانواده شهید ابتدا با خانه شهید بهشت زهرا تماس می‌گیرم تا بتوانم آدرسی از مزار شهید به دست بیاورم، اما از آنجایی که نام شهید در بنیاد شهید به ثبت نرسیده است، نمی‌توانند کمکی به ما کنند.

تنها داشته من از شهید تصویری بود که در گوشه تقویم سالانه سال‌های گذشته به چاپ رسیده بود. تصویری که در ذیل آن آدرس مزار شهید را نشان می‌داد. قطعه ۲۴ ردیف ۶۰ شماره ۳۵. راهی بهشت زهرا می‌شوم تا بتوانم به زیارت شهیدی بروم که به‌رغم داشتن مشخصات گویی چون شهدای گمنام ناشناس باقی مانده است، اما با معرفی یکی از همکاران به «سردار قاسم صادقی» یکی از رزمندگان دوران دفاع‌مقدس و مسئول یادمان شهدای دشت ذوالفقاری می‌رسم که گویی اطلاعات مختصری از شهید دارد. قبل از رفتن به سمت بهشت زهرا با قاسم صادقی تماس می‌گیرم و از او می‌خواهم هر چه از شهید سیدحسین عزیزی می‌داند، برایمان روایت کند. او که در آبادان و مشغول ساخت و راه‌اندازی یادمان شهدای ذوالفقاری است با رویی باز از این اقدام برای تفحص و شناسایی خانواده شهید استقبال می‌کند و می‌گوید: هر اطلاعاتی من به شما می‌گویم، همان مطالبی است که از زبان شهیدحسن زواره محمدی که پدر همسرم و از همرزمان شهید سیدحسین عزیزی است، شنیده‌ام. گویا سیدحسین متولد ۱۳۳۶ بود که در روزهای نخست جنگ تحمیلی به جبهه‌های جنوب می‌رود. همراه بچه‌ها وارد منطقه ذوالفقاریه می‌شود. سیدحسین هر کاری از دستش برمی‌آمد، برای جبهه و رزمنده‌ها انجام می‌داد. از کمک به بچه‌های پشتیبانی گرفته تا رزم و جهاد و چند هفته قبل از شهادتش از حسن محمدی می‌خواهد که اگر او به شهادت رسید، پیکرش را به بهشت زهرا منتقل و در آنجا تدفین کند. محمدی علت را جویا می‌شود و شهید عزیزی می‌گوید بارها شاهد بمباران قبرستان خرمشهر بودم و صحنه‌هایی را دیدم که شاید کمتر کسی بتواند آن را تحمل کند. بهشت زهرا از بمباران در امان است.

۵ بهمن ماه ۵۹

سردار صادقی در ادامه می‌گوید: برای همین شهید سیدحسین عزیزی از دوست و همرزمش حسن محمدی قول می‌گیرد که در صورت شهادت به بهشت زهرا منتقل و در آنجا به خاک سپرده شود. سیدحسین عزیزی در پنجم بهمن سال ۵۹ در ذوالفقاریه بر اثر ترکش خمپاره به شهادت می‌رسد و همرزمش محمدی طبق قرارش با شهید پیکر او را به بهشت زهرا منتقل می‌کند و خودش شهید را در قطعه ۲۴ به خاک می‌سپارد، اما از آنجایی که او داوطلبانه به جبهه رفته بود و در روزهای اول جنگ به شهادت رسید، پرونده کاملی از وی در بنیادشهید و امور ایثارگران وجود ندارد. مزار شهیدسید حسین عزیزی در بهشت زهرا ملجا و پناه عاشقان و دلسوختگان به شهدا می‌شود. روایت‌های زیادی از کرامات این شهید به مردم و زائرانش شنیده می‌شود.

۴۰ سال فراق

حسن زواره محمدی در چهارم فروردین سال ۱۳۶۰ در خرمشهر به شهادت می‌رسد و کمی آن طرف‌تر از مزار دوستش در قطعه ۲۶ ردیف یک و شماره ۱۷ به خاک سپرده می‌شود. شهید سیدحسین عزیزی آنطور که خودش پیشتر به همرزمانش گفته بود متأهل و دارای دو فرزند بوده است، اما تا امروز خبری از خانواده شهید نشده است. این متن درخواست کمکی است برای پیدا کردن خانواده شهید، تا شاید بعد از ۴۰ سال این دوری و فراق پایان یابد. ان‌شاءالله.

جدول

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۹۷۶

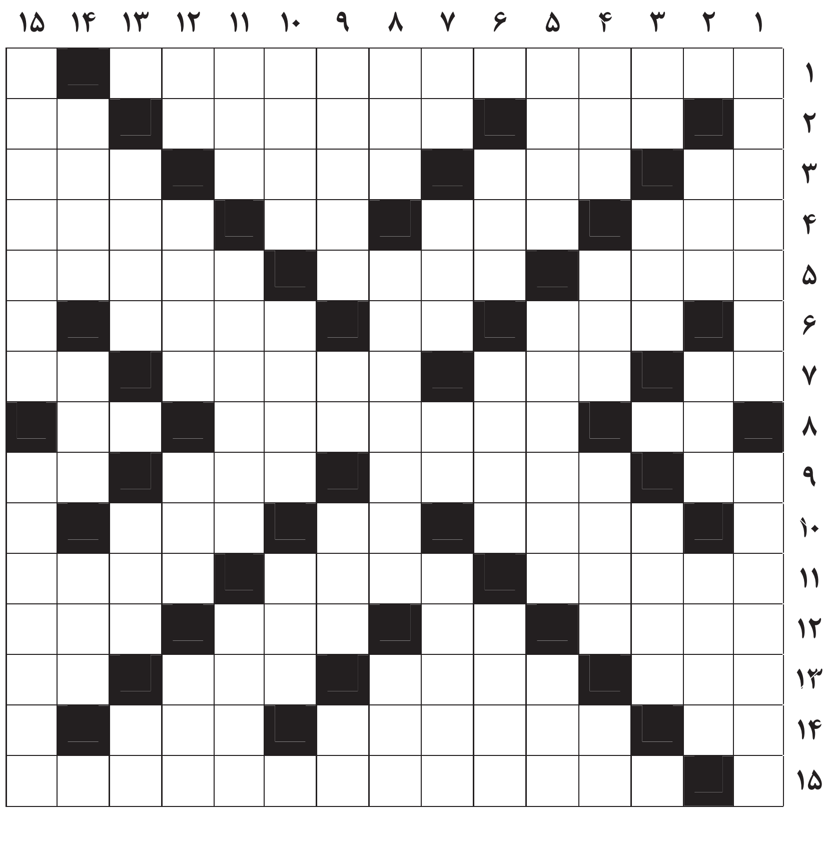

از راست به چپ

■ ۱-از تأکیدات همیشگی مقام معظم رهبری در مدیریت کشور توجه به آن است ■ ۲-اجازه-از ابزارهای جنگ نرم-مفت نشده ■ ۳-گشوده-برگه-داستان ادبی-حرف نهم یونانی ■ ۴-قطار – پرنده‌ای شکاری-پسوند خریدار-سرد ■ ۵-نوعی تیر جنگی-نوجوان شهید دشت کربلا-آنچه به غیر خدا باشد ■ ۶-تکیه بر پشتی-مادر لر-دیگر و غیر ■ ۷-ریشه-ایمن-زبان علمی و ادب در اروپای قرون وسطی-حرف پیروزی ■ ۸- شهر آرامگاه پروین اعتصامی-فلزی سفیدرنگ مایل به آبی که برای تهیه باتری‌های قابل شارژ استفاده می‌شود-مخترع تلفن ■ ۹-باران اندک-دریاچه سیستان-خوش و زیبا-تخم‌مرغ فرنگی ■ ۱۰-خاندان و طایفه-زیرخاک کردن-جزیره زادگاه ناپلئون ■ ۱۱-استخوانی در گوش-توان و قدرت-خبرگزاری ایتالیا ■ ۱۲-فرمان توقف-امر به گفتن-نوعی کباب-جزیره دوگانه ■ ۱۳-سازمان آزادیبخش فلسطین-خوراک ضبط صوت-زنگ-نام قدیم یزد ■ ۱۴-هزارکیلو-قیمتی-وسیله‌ای برای پخش صدا ■ ۱۵-کنایه از احساس سربلندی و غرور کردن است

از بالا به پایین

■ ۱-از القاب امام علی(ع)-صداقت ■ ۲-رود مرزی-هنرپیشه ایفا می کند-موجودیت ■ ۳-علامت بیماری-لوله تنفسی-افسوس خوردن ■ ۴-هموار-درس خوانده-بزرگی و ابهت-آغوش ■ ۵-مایل و کج-یکی از ارکان تعاون-غارت و چپاول ■ ۶-کار سخت-بی نام تو کی کنم باز-شاهد ■ ۷-آب تازی-راه توشه-ورزش میدانی-صحرایی در امریکا ■۸-عمق-کهنسالی-هر مثلثی دارد ■ ۹-به پایان رساندن-از حروف خطاب-فلز گلوله-فرار حیوان ■ ۱۰-حالتی در زن باردار -پایه و رکن-دعای زیرلب ■ ۱۱-نویسنده آلمانی کتاب یوسف و برادرانش -دارایی کسی-پربها ■ ۱۲-خدای قوم ژرمن-نوعی طلاق-کارزار-قرص روانگردان ■ ۱۳- پدر عمار-از منابع فقه-رود چین ■ ۱۴-قطار زیرزمینی-دوستی-مظهر سفتی و سختی ■ ۱۵-عاملی است مهم در بقا و تداوم خوشبختی در بین همسران-گل‌های برجسته که با رشته‌های نقره یا طلا روی پارچه می‌دوزند

جدول سودوکو

ارقام۱تا۹ راطوری قراردهیدکه درهر ردیف،ستون ومربع‌های کوچک سه‌در سه فقط یک‌بار به‌کارروند.

	۳	۴			۸			
				۷	۴			۶
							۲	۹
۱			۸			۹		
۹				۶		۵	۴	
۷			۲		۳			
							۳	۸
			۱	۸	۷			
	۱	۲						

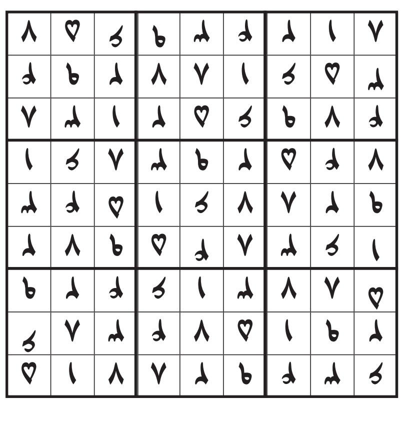

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۹۷۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ن	ف	ل	و	ا	ن	ز	ا	■	ب	ا	ر	س	ا
۲	ب	■	ا	ر	ک	س	ت	ر	■	ب	خ	ت	ک	■	ت
۳	چ	ت	■	ک	ی	ا	ن	■	ا	ش	و	ر	■	س	ل
۴	ا	ج	س	■	ل	ر	■	ق	ی	■	ن	ا	ن	و	ا
۵	گ	و	ا	ش	■	ا	ن	ی	ا	ب	■	ر	ا	ی	ن
۶	ی	ی	ل	ا	ق	■	ا	س	ت	ر	س	■	ز	ی	ت
۷	■	د	و	گ	ا	ن	گ	ی	■	و	ر	د	■	چ	ی
۸	ا	■	س	ر	ا	ی	ت	■	ت	ج	د	ی	د	■	ک
۹	ز	م	■	د	ن	ا	■	د	ی	ن	ا	م	ی	ت	■
۱۰	ر	و	ز	■	ی	ی	ل	ا	ن	■	ب	ا	د	ا	م
۱۱	م	ل	ا	س	■	ش	ی	ل	ا	ن	■	س	ا	ت	ن
۱۲	ی	و	ن	ا	ن	■	م	ی	■	ا	ر	■	ر	ا	د
۱۳	د	ی	■	ر	ا	گ	ا	■	ن	ی	و	ن	■	ر	ل
۱۴	خ	■	ت	ی	م	م	■	ی	ا	ر	غ	ا	ر	■	ی
۱۵	ت	ا	ز	گ	ی	■	ا	ی	و	ا	ن	م	خ	و	ف